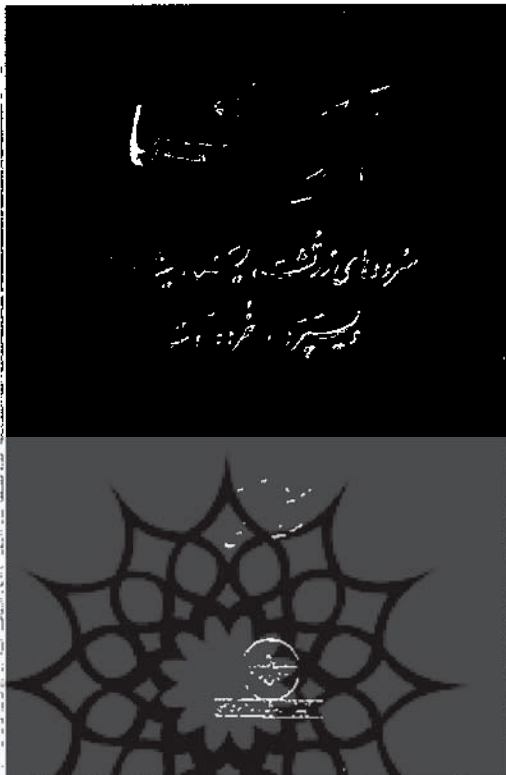


بغان یشت



● مهشید میرفخرایی
عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی

بررسی بغان یشت، شامل آوانویسی و برگردان فارسی متن اوستایی و زند به همراه واژه‌نامه‌ای با برابره‌های اوستایی، زند و فارسی است. این تحقیق در فاصله سال‌های ۷۵-۱۳۷۷ در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی از سوی دکتر مهشید میرفخرایی انجام شده و آماده انتشار است.

ها (=فصل) ۱۹، ۲۰ و ۲۱ یسنا در دستنویس P14 یسنا، «بغان یشت» نامیده شده است. یغ در اوستا-baga (اسم مؤنث و به معنی بخش، برخ-قطعه) از ریشه bag/ǵ به معنی «بخش کردن» است. این واژه در برگردان پهلوی (= زند) baxtarīh برگردانده و به «فرگرد» گزارش شده است. ظاهراً سبب اطلاق «یغ» بر سه‌های یلادشده سرودن آنها در بخش‌های آغازین و پایانی و نیز در بخش‌های جداگانه نیایش‌های بلند بوده است. «بغان یشت» امروزی بازمانده «یغ نسک» اوستاست که سومین نسک از بیست و یک نسک اوستای دوره ساسانی بوده است. در کتاب نهم «دینکرد» (مدن: ۱۹۱۱، صص ۷۸۹-۷۸۷) آمده است که یغ نسک دارای بیست و دو فرگرد است. سه فرگرد اول، دوم و سوم این نسک به ترتیب درباره «هونور»، «شم و هو» و «ینگه هاتام» است که مطالب آنها همان سه‌های ۱۹ تا ۲۱، یعنی بغان یشت است. به این ترتیب از بغان نسک قدیم تنها سه فرگرد نخستین آن در اوستای کنونی باقی مانده است و این

قدیم‌ترین تفسیری است که به زبان اوستایی از این سه‌ها باقی مانده است.

در «شایست نشایست» (کوتوال، ۱۹۶۹ فصل ۱۳، بند ۱) نیز از سه‌های بغان یشت نام برده شده است. به جز یغ نسک یلاد شده چهاردهمین نسک اوستا بغان یشت نامیده شده است که بنابر کتاب هشتم دینکرد (صص ۶۸۰-۶۷۷) در ستایش و نیایش ایزدان بوده است. اما در روایات، بغان یشت پانزدهمین نسک ذکر شده که دارای هفده فرگرد بوده است. به این ترتیب یسنا تا ۱۹ تا ۲۱ یا بغان یشت از سومین نسک یعنی «یغ نسک» است و نه از چهاردهمین نسک (بنابر دینکرد و یا پانزدهمین بنابر روایات) یعنی «بغان یشت نسک».

برگردان و تفسیر پهلوی (= زند) این سه‌ها نیز مانند تمام تفاسیر پهلوی که از قطعات گاهانی اوستا به جا مانده است درست مطابق متن نیست. تفسیر سنسکریت که در قرن دوازدهم میلادی از دستور نریوسنگ به جاملانه نیز از روی

تفسیر پهلوی است.

آهون وئیریه، آشم و هو، ینگه هاتام، ایریمن ایشیو از چهار دعای مقدس دین مزدیسنی یعنی آهون وئیریه (یسن ۱۳ / ۲۷)، آشم و هو (یسن ۱۴ / ۲۷) و ینگه هاتام (یسن ۱۵ / ۲۷) و ایریمن ایشیو (یسن ۱ / ۵۴) سه‌های نخست در آمدی برگاهان و چهارمین پایان بخش آن است. اصطلاح «دعا برای ینگه هاتام و ایریمن ایشیو که با دو فعل yezamaioe (می‌پرستیم) و Jantu (باشد که بیاید) مشخص می‌شوند مناسب به نظر می‌رسد در حالی که آهون وئیریه و آشم و هو بیشتر دستورهای دینی رازگوتنای هستند که ویژگی‌های جلوبوی دارند.

زبان آهون وئیریه و آشم و هو «اوستای ناب گاهانی» است و احتمالاً هر دوی اینها توسط خود زردشت سروده شده‌اند تا به عنوان دستورات دینی پایهای به خدمت گرفته شوند. در یشت هفده بند ۲، ایریمن در شکایت خود آهون وئیریه و آشم و هو را در کنار هم نام می‌برد.

تاریخ کهن هنریک فرهنگ

- هنر و معماری اسلامی
- ریچارد اتینگهاوزن والگ گرابر
- ترجمه یعقوب آژند



جغرافیای هنر و معماری اسلامی.

بررسی ظهور اسلام و فضای هنری صدر اسلام، هنر امویان و عباسیان، هنر در سرزمین‌های غرب اسلامی، هنر فاطمیان در شمال آفریقا و مصر و هنر ایران و آسیای مرکزی، عنوان کلی مورد بحث تا سده پنجم است. بخش سوم کتاب از سده پنجم تا هفتم ه. / یازدهم تا سیزدهم م. به بررسی معماری این دوره و در قلمرو جغرافیای ایران و آسیای مرکزی، شمال هند، عراق، شمال بین‌النهرین، سوریه و مصر و آناتولی می‌پردازد. این طبقه‌بندی جغرافیایی، جز یک استثنا، با تمایزات و تنوع‌های تاریخی و زیست بومی مطابقت دارد و در امر پژوهش و کتابشناسی همه از لحاظ مطالعات فن‌پوزری و تخصص منطقه‌ای، دقیق و قابل ملاحظه است. و آن استثنا، ایران و عراق است که در طی سال‌های اخیر به سبب کاوش‌های باستان‌شناسی در ایران و افغانستان و انتشار آثار منظم پژوهشگران شوروی، به خصوص در تاشکند و باکو، اطلاعات چشمگیری حاصل آمده است.

اثر حاضر همراه ارائه تصویر متعدد نقشه و پلان در قطع وزیری، با قیمت ۱۴۰۰ تومان و شمارگان ۳۰۰۰ جلد منتشر شده است.

اثر حاضر در واقع محور خود را بر جنبه تاریخی قضایا استوار کرده است و تلاش شده تا رویدادهای مکانی خاص در زمان خاص آنها شناسایی و تفسیر شود. این کتاب در واقع تاریخ سستی و کهن هنر یک فرهنگ است.

ریچارد اتینگهاوزن والگ گرابر از مدرسان هنر اسلامی دانشگاه‌های غرب و آمریکا پس از نسل پیشگامان بزرگ هنر اسلامی از جمله ماکس فالن برخه، ارنست هرتسفلد ارنست کونل، تامس آرنولد و ژرژ مارسه در بررسی هنر اسلامی جهانی نو و تازه پدید آورده و درک مفاهیم فرهنگی اشیاء و آثار معماری و تعریف دقیق ویژگی‌های زمان و مکان خاص را پیش رو نهاده‌اند. این کتاب یکی از دستاوردها در رابطه با هنر و معماری اسلامی است که در دو جلد توسط دانشگاه ییل منتشر شده است. مجلد اول شامل هنر و معماری اسلامی تا سده هفتم همین اثری است که پیش رو دارید و مجلد دوم نیز شامل هنر و معماری از سده هفتم تا سده بیستم است. مجلد اول از دو جنبه واجد اهمیت است یکی به لحاظ جامع بودن منابع و مأخذ و بهره‌گیری سنجیده همراه با تحلیل‌ها و استدلال‌های منطقی از این اطلاعات و دیگری از حیث سامان‌بندی نو و شفاف و شمول آن بر جهات گوناگون

«لو مرا با اهنون وئیریه، با سلاخی به سنگینی یک‌سنگه به بزرگی یک خانه می‌زند. لو مرا با اشه وهیشته»، درست مانند آهن گداخته می‌سوزاند».

ینگه هاتام که در این جا نامی از آن برده نشده است اصل متأخرتری دارد چه زبان این دعا به «وستای جدید است که با ویژگی‌های گاهانی تطبیق داده شده است. با این حال این هرسه دعا در درآمد یسن ۶۱ بند آمده است:

اهنون وئیریه را می‌خوانیم اندر زمین و اندر آسمان. و اشه وهیشته را می‌خوانیم اندر زمین و اندر آسمان، و ینگه هاتام خوب ستاینده شده را می‌خوانیم اندر زمین و اندر آسمان و... بنا بر بنان یشته اهنون وئیریه و اشم وهو توسط اهورامزدا به زردشت ابلاغ شده است:

«کلامی که به من (= زردشت) فراگفتی» (یسن ۱۹/۱) و «هورامزدا فراگفت» (یسن ۲۰/۱)

و حال آن که ینگه هاتام کلام خود زردشت است به اهورامزدا:

«کلام ستودنی زردشت اشو» (یسن ۲۱/۱)

از میان این چهار دعای مهم دین زردشتی، ینگه هاتام به زبان اوستای جدید است که به گونه گاهانی در آمده است. به احتمال بسیار، این دعا از بند ۲۲ یسن ۵۱ برگرفته شده است ولی فهم آن به مراتب از الگوی گاهانی بسیار مهم آن، سادتر است. در این دعا قصد بر آن است که ستایش و نیایش به آفریدگان آفرینش مقدس نثار گردد که ظاهراً همان امشاسپندان هستند که نیایش آنها برای زردشتیان واجب است.

اشم و هو از دوازده واژه تشکیل شده است که به طور موزون و متجانس کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. اشم وهو جای برجستهای در میان چهار دعای زردشتیان دارد و با وجود ابهامی که در آن نهفته است، به سبب شکل و قالب ظاهری افراد عادی می‌توانستند به آسانی آن را به یاد بیاورند. اشم وهو گرچه شعر نیست ولی معرف مکتب شاعرانه زردشت است.

اهنون وئیریه احتمالاً در زمان قدیم‌تری، پیش از بازنویسی اوستا در دوران ساسانیان درآمدی بر گاهان بوده است. زردشتیان دیندار روزانه و به دفعات آن را بر زبان می‌رانند اما بر رمز و راز نهفته در آن آگاهی نداشته‌اند. اهنون وئیریه ویژگی‌های کنایی گاهان و سنگینی معانی آن را تا حد زیادی حفظ کرده است.

بندهای ۱ تا ۳ یسن ۱۹ که تفسیر اوستایی اهنون وئیریه (بند ۱۳ یسن ۲۷) است به بدین قرار است:

- ۱- پرسید زردشت اهورامزدا را: ای اهورامزدا، ای مقدس‌ترین مینو، ای نادار جهان ملای، ای اشوا! آن سخن چه بود ای اهورامزدا، که به من فرازگفتی ۲- پیش از (آفرینش) آسمان، پیش از آبه پیش از زمین، پیش از گاو، پیش از گیاه پیش از آتش- پسر اهورامزدا، پیش از مردپارسا، پیش از درندگان زیانکار - دیوان و مردمان - پیش از همه هستی ملای، پیش از (آفرینش) همه (چیزهای) خوب مزدا آفرینده راست سرشت؟
 - ۳- آنگاه گفت اهورامزدا: آن قطعه اهنونور (= اهنون وئیریه) بود ای سپستان زردشت که به تو فراز گفتم پیش از....
- پانوشته‌ها:

- 1- ahuna vairya -
- 2- aso e m - vohu -
- 3- airyaman lsyo -
- 4- asa vahista -